

روان شناسی قانونی

اگر چه کارهایی مثل تهیه نیمرخ شخصیت مجرمان و کالبد شکافی روانی آنان جزء کارهای معمولی روان شناسان بالینی قانونی است ولی کارهایی مثل اظهار نظر در مورد حضانت کودکان و دعاوی طلاق هم انجام می دهند .

گستره روان شناسی قانونی

روان شناسی قانونی (و روانپزشکی قانونی) ، دانش موجود در زمینه سلامت روان و تخصص در این زمینه را در سنجش و درمان کسانی که به دلیلی درگیر امور قضایی یا دستگاه قضایی شده اند ، به کار می برند (وینر و هس ، 2006) . اصطلاح forensic (قانونی) از کلمه لاتین forensic معنای « محل اجتماعات » گرفته شده که دادگاه های روم باستان در آنجا تشکیل می شد .

روان شناسان بالینی شاغل در حوزه قضا و حقوق به انواع مشکلات قضایی رسیدگی می کنند از جمله به (الف) بستری کردن اجباری شخصی که بیماری روانی شدید دارد و خطرناک محسوب می شود ، (ب) بررسی صلاحیت روانی متهم از این جهت که آیا می تواند در دادگاه حاضر شود یا نه ؛ (ج) رسیدگی به سلامت عقلی متهم هنگام ارتکاب جرم ؛ (د) بررسی اینکه آیا شخص بر اثر مصدومیت یا جراحت ، آسیب روانی دیده است یا خیر و اگر آسیب دیده آیا آسیب دیدگی او جدی است یا خیر .

روان شناسی اعمال قانون عبارت است از تحقیق درباره مراکز مجری قانون و ارائه خدمات بالینی مستقیم به منظور حمایت از این مراکز .

روان شناسی دادخواهی با تاثیرات اقدامات قضایی در محاکم مدنی یا جنایی سر و کار دارد . روان شناسان بالینی شاغل در این حوزه گاهی اوقات در مورد انتخاب هیئت منصفه به وکلا توصیه هایی کرده و عوامل موثر بر شور و مشورت های هیئت منصفه و نظراتی مثل شهادت شاهدان را بررسی می کنند (لافتس ، 2003) . همچنین تاثیرات برخی قسمت های دادگاه ها مثل اظهارات آغازین ، سوال و جواب از شهود یا استدلال های پایانی را تحلیل می کنند .

روان شناسی اصلاح و تربیت هم با ارائه خدمات روانشناختی به کسانی که پس از اثبات جرم در حال سپری کردن محکومیت خود در زندان هستند سر و کار دارد (شوارتز ، 2003) . اکثر روان شناسان بالینی که به عنوان روان شناس اصلاح و تربیت شناخته می شوند در زندان ها ، ندامتگاه ها یا مراکز اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان مشغول به کار هستند ولی در اداره عفو مشروط یا به عنوان متخصص برنامه اصلاح و تربیت اجتماع مدار هم کار می کنند .

صلاحیت جنایی

طبق این رای « متهم باید آزمون و معاینه شود تا بفهمیم آیا آنقدر عقل و شعور دارد تا با وکیلش مشورت کند و از عقل و شعور کافی برای فهمیدن دعاوی مطروحه علیه خودش برخوردار است » .

صلاحیت روی « توان حال حاضر » متهم برای طی کردن جریان قضاوت و محاکمه متمرکز است و با پرس و جو های گذشته نگر در مورد مسئولیت پذیری جنایی (مثل دفاعیه جنون) که روی وضعیت روانی متهم هنگام ارتکاب تخلف متمرکز است ، فرق دارد .

صلاحیت سنجی

اکثر سنجش ها در مراکز سلامت روان محلی انجام می شوند ولی اگر متهم دچار اختلال شدیدی مثل افسردگی ماژور یا اسکیزوفرنی باشد ، ارزیابی در یک بیمارستان روانی دولتی یا مرکز نگهداری از بیماران انجام می شود . در اکثر ایالت ها روانپزشکان ، روان شناسان و مددکاران اجتماعی حق دارند ارزیابی صلاحیت انجام بدهند و برای این کار از مصاحبه های ساخت دار اختصاصی استفاده می کنند .

اگر چه مبنای اثبات عدم صلاحیت ، « کثرت شواهد » است (که گاهی اوقات به 51 درصد شواهد که حداقل محسوب می شود می رسد) ولی 70 تا 90 درصد متهمان ارجاع شده ، صاحب صلاحیت شناخته می شوند .

جدول 1- 14

سنجش صلاحیت حضور در دادگاه

- | | |
|---|---|
| 3 . فهمیدن خصمانه بودن فرایند قضایی (یعنی مطرح بودن بحث شکایت و دفاع) | سنجش صلاحیت متهم برای شرکت در دعاوی جنایی معمولاً با معاینه وضعیت روانی شروع می شود که یک مصاحبه کوتاه است و حافظه ، خلق ، جهت یابی ، تفکر و تمرکز متهم را ارزیابی می کند . سنجشگر معمولاً بعد از معاینه وضعیت روانی از یک یا چند ابزار اختصاصی مثل آزمون غربالگری صلاحیت ، ابزار سنجش صلاحیت یا ابزار سنجش صلاحیت مک آرتور - قضاوت جنایی استفاده می کند (هوگ ، بانی ، پویترس و موناهان ، 1997) . این ابزار ها برای تعیین |
| 4 . فاش کردن حقایق مربوط به جرم و تخلف برای وکیل مدافع | |
| 5 . رابطه برقرار کردن با وکیل مدافع | |
| 6 . کمک به وکیل مدافع در طراحی دفاعیه | |
| 7 . دفاع واقع بینانه از خود در برابر شهادت شاهدان | |

توانایی متهم در زمینه های زیر طراحی شده اند : وکیل شاکی

1. فهمیدن اتهامات 8. رفتار مناسب در دادگاه

2. فهمیدن ماهیت و دامنه مجازات ها در صورت 9. ارائه شهادت های مربوط به بحث در دادگاه و

اثبات جرم 10. انجام رفتارهای مفید به حال خود در جریان

دادرسی به جای رفتارهای مضر (هایلبرون و کالینز ،

(1995

مطالعه گسترده ای در این زمینه نشان می داد اکثر کسانی که فاقد صلاحیت حضور در دادگاه تشخیص داده می شوند از اختلالات شدید روانی مثل اسکیزوفرنی رنج می برند . کسانی که سابقه طولانی اسکیزوفرنی دارند یا درمان نشده اند بیشتر احتمال دارد نتوانند در تنظیم دفاعیه به وکیل مدافع کمک کنند . اکثر متهمان فاقد صلاحیت پس از مصرف داروهای روانگردان مجددا صاحب صلاحیت می شوند و به زندان برمی گردند تا دادگاه تشکیل شود .

دفاعیه جنون

جرم عبارت است از انجام دادن (یا ندادن) عمدی عملی که نقض قانون کیفری محسوب می شود و جای دفاع یا توجیه ندارد . mens rea به معنی « ذهنیت گناه » یا قصد خطا کردن است . چون جنون یک اصطلاح قضایی است و نه مفهومی روانشناختی ، طبق معیارهای قضایی که به مرور تغییر کرده اند ، تعریف شده است .

این معیارها از سال 1843 شروع شدند ، وقتی یک انگلیسی به نام دانیل مک ناتن به جان رابرت پیل نخست وزیر انگلستان سوء قصد کرد . مک ناتن دچار هذیان های پارانویایی بود مبنی بر این که پیل در حال دسیسه چینی علیه او است .

تعریف جنون با عنوان قانون مک ناتن به این شکل تصویب شد : « ... شرط اقامه بی گناهی به خاطر جنون این است که ثابت شود متهم هنگام ارتکاب جرم دچار نقیصه عقلی یا بیماری روانی بوده و نمی توانسته ماهیت و کیفیت عملی را که انجام می دهد بفهمد یا اگر آن را می فهمیده ، نمی دانسته که آن عمل غلط است »

(الف) ظرفیت و درک کافی برای فهمیدن جرم یا اشتباه بودن عملشان را نداشته اند یا (ب) نمی توانسته اند شروط و ضوابط حقوقی را رعایت کنند . به عبارت دیگر ، متهم باید جنون خود را ثابت کند .

سوء تفاهم ها در مورد دفاعیه جنون

حقیقت این است که از هر 200 پرونده جنایی فقط یک پرونده به اقامه جنون منتهی می شود و موفقیت این پرونده ها نیز در 2 در 1000 است. در برابر هر اقامه جنون موفق، ده ها اقامه جنون ناموفق وجود دارد از جمله پرونده جک رابی، قاتل لی هاروی اوزوالد که به جان کنندی سوء قصد کرد؛ سیرهان سیرهان قاتل رابرت کنندی و قاتلان زنجیره ای جان وین گاسی، جفری دامر، دیوید برکوویتز (معروف به «پسر سم») و کنت بیانچی (معروف به «آدم خفه کن تپه ها»).

آیا تبرئه شدگان بی گناهی به خاطر جنون از مجازات اتهام قتل قسر در می روند؟

فقط 1 درصد تبرئه شدگان جنون بدون تحمل حبس آزاد می شوند و فقط 4 درصد آنان طعم آزادی مشروط را می چشند؛ 94 درصد آنان بستری می شوند (استیدمن، 1993). در اکثر ایالت ها، وضعیت روانی متهمان به صورت دوره ای بررسی می شود.

نقش شهود متخصص در دفاعیه جنون

شاهد متخصص فقط می تواند در مورد نشانه ها، رفتارها و تشخیص داده شده در مورد متهم حرف بزند. حتی پیش از آن که این محدودیت در قوانین جنایی ایالتی و فدرال تصویب شود. انجمن روانپزشکی امریکا گفته بود «هیچ شاهد متخصصی که در حال شهادت دادن راجع به وضعیت یا شرایط روانی متهم در پرونده های جنایی است نمی تواند راجع به اینکه عنصری مجرمانه در وضعیت روانی متهم وجود دارد یا نه اظهار نظر و از آن دفاع کند. تصمیم گیری در مورد این گونه مسائل حساس فقط بر عهده رسیدگی کنندگان به حقایق است».

بر اساس رای دیوان عالی امریکا در سال 1985 راجع به پرونده آکه علیه او کلاهما، متهمان تنگدست (فقیر) حق دارند در دفاعیه جنون از متخصصان کمک بگیرند ولی حق انتخاب متخصص با آنها نیست.

اصلاح دفاعیه جنون

دفاعیه های گناهکار اما بیمار روانی و ظرفیت روانی

منظور از قانون گناهکار اما بیمار روانی این است که تعداد متهمانی که به خاطر جنون بی گناه شناخته می شوند، کم شود. دن وایت سرپرست سابق ناحیه سانفرانسیسکو که در سال 1978 به سمت شهردار سانفرانسیسکو شلیک و او را مجروح کرد و یک مقام منتخب دیگر را کشت، بر اساس دفاعیه مشهوری به نام «دفاعیه توینکی» دارای ظرفیت «کم» قتل شناخته شد. وایت ادعا کرد خوردن بیش از حد آشغال پاشغال، قوه استدلال او را

از کار انداخته بود. هیئت منصفه او را به جرم قتل غیر عمد گناهکار شمرد و 6 سال را در زندان گذراند. در سال 1982 نیز کالیفرنیا دفاعیه «ظرفیت کم» را ملغا کرد.

سلامت سنجی

سنجش های مورد استفاده معمولاً عبارتند از مصاحبه ساخت دار و آزمون های هوش (عمدتاً مقیاس هوش بزرگسالان و کسلر یا مقیاس هوش استنفورد - بینه) و شماری از شخصیت سنج ها مثل شخصیت سنج چند وجهی مینسوتا، نسخه تجدید نظر شده فهرست اجتماع ستیزی و آزمون لکه جوهر رورشاخ و همچنین آزمون اندریافت موضوع.

اگر چه تخمین می زند که 20 تا 25 درصد متهمان تمارض کرده یا وانمود به بیماری روانی می کنند ولی ابزارهای سنجش و روان شناسان بالینی زیرک در تشخیص این گونه فریب ها بسیار موفق عمل می کنند. یکی از متمارض های مشهور، کنت بیانچی، معروف به «آدم خفه کن تپه ها» بود که ده ها زن جوان را در دهه 1970 در کالیفرنیا و واشنگتن به قتل رسانده بود. اگر چه چهار متخصص، تشخیص اختلال شخصیت چندگانه (یا به قول امروزی ها اختلال گسست هویت) را مطرح کردند ولی متخصص زیرک دادستانی متوجه شد بیانچی تظاهر به این اختلال می کند. بیانچی پس از رو شدن دستش از اقامه جنون انصراف داد و برای گریز از مجازات مرگ، به قتل ها اعتراف کرد.

سنجش وضعیت روانی در دادگاه های مدنی

حقوق شبه جرم به کسانی که خواهان جبران ضرر و زیان خود بر اثر اعمال اشتباه دیگران هستند، کمک می کند. حقوق شبه جرم با حقوق جنایی - که به نمایندگی از کل جامعه - متهم را به خاطر رفتار غلطش تحت پیگرد قرار می دهد و او را مجازات می کند تا جامعه احساس عدالت کند، فرق دارد. وقتی شاکیان در پرونده های مدنی، متهمان را به خاطر وارد آوردن ضرر و زیان به آنها یا اموالشان تحت تعقیب قرار می دهند، دعاوی صورت دعاوی شبه جرم به خود می گیرند.

سنجش صدمه روانی در پرونده های شبه جرم

رفتارهای زیادی می توانند شبه جرم محسوب شوند. تهمت و افترا می توانند جرم باشند، همان طور که درمان غلط، ساخت کالاهای معیوبی که مصدومیت به بار می آورند و رفتار عمدی یا غیر عمدی که به دیگران آسیب می رساند از مصادیق شبه جرم هستند.

پرونده های غرامت کارکنان

وقتی کارمند یا کارگری در جریان کار مصدوم می شود یا آسیب می بیند، قانون کارفرمای او را موظف می کند به او غرامت پردازد ولی این کار طوری انجام می شود که لزومی به اثبات شبه جرم نباشد. به این، نظام حقوق غرامت کارکنان می گویند.

در نظام غرامت کارکنان، کارفرماها بابت بیمه غرامت کارکنان پول می پردازند؛ همچنین از نکوهش کارمند یا کارمندشان یا کسانی که در مصدومیت یا آسیب نقش داشته اند، پرهیز می کنند. کارمندان و کارگران هم از حق خود برای اقامه شکایت ارتکاب شبه جرم علیه کارفرماها خودداری می کنند، غرامتی که دریافت می کنند نیز بر مبنای نوع و مدت مصدومیت و آسیب و میزان حقوق وی هنگام مصدومیت تعیین می شود. کارگران و کارمندان همچنین می توانند بابت (الف) صدمات و آسیب های جسمی و روانی در محیط کار، (ب) هزینه درمان صدمات و آسیب ها، (ج) قطع حقوق و (د) از دست دادن درآمدهای آتی تقاضای غرامت کنند.

نخست، مصدومیت های جسمی یا مخاطرات شغلی که می توانند اختلال روانی و ناتوانی ذهنی ایجاد کنند. الگوی رایج در این زمینه را در پرونده های جسمی - روانی می بینیم که کارمند یا کارگر دچار مصدومیت جسمی شدید - مثل شکستن کمر یا سوختگی شدید - و در نتیجه درد مزمن می شود. با ادامه یافتن درد، دچار مشکلاتی روانی می شود که عمدتاً اضطراب و افسردگی هستند. این مشکلات هم آن قدر شدید می شوند که به اختلالات روانی کامل و اختلالات در کل عملکرد تبدیل می شوند.

دومین شیوه تبدیل مصدومیت ها و آسیب های کاری به ناتوانی ذهنی این است که برای شخص در محیط کار اتفاق ناگواری بیفتد یا برای مدتی طولانی در معرض استرس باشد و این قضیه به مشکلات روانی منتهی شود. فروشنده شبی که قربانی سرقت مسلحانه می شود و بعداً علائم اختلال استرس پس از ضربه در او ظاهر می شود از مصادیق پرونده های روانی - روانی است چون پس از سال ها پرکاری و فشار کار، دچار اختلال اضطرابی و حتی اختلال استرس پس از ضربه شده است.

حالت سوم، پرونده های روانی - جسمی هستند که در آنها استرس شغلی باعث شروع یک اختلال جسمی مثل فشار خون بالا می شود. بسیاری از ایالت ها محدودیت های خاصی برای این نوع دعاوی قائل شده اند و به ندرت از روان شناسان می خواهند این نوع ادعاها را ارزیابی کنند.

صلاحیت های مدنی

صلاحیت تصمیم گیری به چهار توانایی بستگی دارد: (الف) اطلاعات بنیادی مرتبط با یک تصمیم را بفهمد (ب) آن اطلاعات را در پیش بینی انتخاب هایش لحاظ کند، (ج) در ارزیابی نقاط قوت و ضعف راهبرد ها و

تصمیمات، منطقی و عاقلانه فکر کند و (د) بتواند تصمیم یا انتخابش را برای دیگران بیان کند. رای دیوان عالی در سال 1990 در پرونده کروزان علیه مدیر دپارتمان سلامتی میزوری تصدیق کرد ایالت ها می توانند به بیماران اجازه بدهند تمایلشان برای درمان نکردن بیماری های عاجز کننده یا مرگبار را رسمی کنند.

ایالت اورگون تنها ایالتی است که خودکشی با معاونت پزشک در آن قانونی است و ارزیابی های روانی برای رد کردن دخالت عامل افسردگی در تصمیم بیمار برای خاتمه دادن به حیاتش را الزامی می داند.

وقتی کسی بابت آسیب روانی غرامت می خواهد، در حقیقت اقامه شبه جرم کرده است. مصادیق آن هم عبارتند از تقاضای غرامت از طرف کارکنان بابت استرس یا تقاضای غرامت بابت ابتلا به اختلال استرس پس از ضربه به خاطر وقوع حادثه ای ناگوار.

کالبد شکافی های روانی و تهیه نیمرخ کیفی

گاهی اوقات از روان شناسان بالینی می خواهند در مورد حالت ذهنی متوفی قبل از مرگش نظر بدهند. بدیهی است روان شناس بالینی در این موارد باید بدون مشارکت شخص، این ارزیابی را انجام دهد. در مورد ارزیابی روانی متوفیان از اصطلاح کالبد شکافی روانی یا اصطلاح دو پهلوی تحلیل مرگ استفاده می شود.

کالبد شکافی روانی

اولین کالبد شکافی روانی در دهه 1950 انجام شد. در آن زمان گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی در لس آنجلس به پزشکی قانونی منطقه کمک کردند معلوم کند آیا در برخی از پرونده های مشکوک، خودکشی علت اصلی بوده است یا قتل و سانحه.

در (الف) پرونده های غرامت کارکنان که خانواده کارمند کارگر مدعی هستند شرایط کاری پر استرس یا ضربه ها و اتفاقات ناگوار شغلی باعث خودکشی یا مرگ تصادفی عزیزشان شده است، (ب) تصمیم گیری راجع به اینکه آیا متوفی ظرفیت روانی لازم برای نوشتن یا اصلاح وصیت نامه اش را داشته است و (ج) بررسی این ادعای متهمان جنایی که متوفی در واقع بر اثر خودکشی به قتل رسیده و به قتل نرسیده است نیز کالبدشکافی روانی انجام می شود.

کالبد شکافی روانی شکل استانداردی ندارد ولی اکثر روان شناسان بالینی به اسناد و سایر مدارک به جا مانده از شخص مثل مصاحبه با آشنایان متوفی استناد می کنند.

دادگاه ها در پرونده های مربوط به غرامت خواهی کارکنان و سوالات مربوط به دریافت حق بیمه معمولاً از شهادت مبتنی بر کالبد شکافی روانی استقبال می کنند . اما در پرونده های جنایی و در پرونده های مرتبط با ظرفیت روانی شخص برای وصیت نامه نویسی از این روش استقبال نمی کنند .

نیمه نیمرخ جنایی

کالبد شکافی های روانی از برخی جهات شبیه تهیه نیمرخ جنایی هستند . روان شناس بالینی در هر دو فن باید بر اساس سوابق زندگی یا سایر داده های به جا مانده از شخص ، انگیزه ها و حالت روانی را حدس بزند . اما در کالبد شکافی های روانی ، هویت شخص تحت سنجش مشخص است و سوال این می باشد که چه کار کرده و چرا . اما در تهیه نیمرخ جنایی ، رفتار معلوم است و سوال این می باشد که « چه کسی این رفتار را انجام داده است ؟ »

یکی از اولین مصادیق موفق تهیه نیمرخ جنایی به سال 1957 برمی گردد . در آن سال جورج ماتسکی ، معروف به « بمب گذار دیوانه » نیویورک ، دستگیر شد . پلیس بعد از یک دهه تحقیق درباره این که چه کسی مسئول بیش از 30 بمب گذاری در منطقه نیویورک است بالاخره با دکتر جیمز براسل ، یکی از روانپزشکان محلی مشورت کرد . براسل صحنه های بمب گذاری و نامه های ارسالی بمب گذار به پلیس را تحلیل کرد . او به پلیس گفت باید دنبال مرد کوتاه قامت و قوی هیکل و میانسال اهل اروپای شرقی بگردند که مجرد است و با خواهر و برادر یا عمه و خاله اش زندگی می کند . وی همچنین نتیجه گرفت این مرد عاشق مادرش است و به نظم و ترتیب اهمیت می دهد . حتی پیش بینی کرد وقتی او را دستگیر می کنند ، یک کت دو طرف دکمه خور پوشیده است . وقتی پلیس بالاخره ماتسکی را دستگیر کرد ، نیمرخ او حتی در مورد کت دو طرف دکمه خور ، به طرز عجیبی درست بود .

امروز منبع اصلی تحقیق در زمینه تهیه نیمرخ جنایی و پیشبرد آن ، واحد تحلیل رفتار اف بی آی است . واحد تحلیل رفتار اف بی آی سالانه حدود 1000 پرونده را تحلیل می کند .

محققان در مروری بر تهیه نیمرخ جنایی (هومن و کندی ، 1998) نتیجه گرفته اند که صحنه های جرم را می توانیم به شکل پایایی طبقه بندی کنیم و جرائم با برخی خصوصیات مجرمان همبستگی دارند . در واقع نظرسنجی از 152 روان شناس پلیس نشان می داد 70 درصد آنها در مورد درستی نیمرخ ترسیمی بر اساس صحنه جرم ، تردیدهای جدی داشتند .

کالبد شکافی روانی نوعی سنجش است که با هدف تعیین علت روانی مرگ هایی که علت مشخصی ندارند انجام می شود . تهیه نیمرخ جنایی هم به منظور مشخص کردن خصوصیات روانشناختی و جمعیت شناختی کسانی صورت می گیرد که مرتکب جرم شده اند . تهیه نیمرخ جنایی به تحقیقات پلیس سمت و سو می دهد و

گناهکار را مشخص می کند . اگر چه تهیه چنین نیمرخ‌های گاهی اوقات مهم می شود ولی شواهد تجربی محکمی در حمایت از آن وجود ندارد .

حضانة کودک و شایستگی والدین

یکی از رو به گسترش‌ترین زمینه‌ها در روان‌شناسی قانونی ، سنجش خانواده‌های بحران زده است .

دعوا بر سر حضانة کودک

در اکثر ایالت‌ها ، حضانة دو نوع است : حضانة مشترک یا حضانة منفرد . اما خود حضانة مشترک هم دو نوع است : قضایی و فیزیکی . اگر چه والدین ممکن است حضانة مشترک کودک را بر عهده داشته باشند ، به این معنا که در مورد رفاه و آسایش کودک (شامل تحصیل و سلامتی او) به طور مشترک تصمیم بگیرند ولی به طور کلی حضانة فیزیکی کودک بر عهده یکی از والدین است و حق ملاقات با دیگری است .

در حضانة قضایی مشترک بر خلاف حضانة قضایی منفرد ، والدین به طور مساوی با فرزندشان تماس دارند . به این ترتیب فرزند با پدر و مادر جدا شده تعامل بیشتری خواهد داشت و والدین مجبور می شوند در مورد بچه‌ها بیشتر همکاری کنند . همچنین تنوع مراقبت از بچه‌ها بیشتر می شود .

نظرسنجی ملی از متخصصان سلامت روانی که ارزیابی حضانة انجام داده اند نشان می دهد آنها به طور متوسط 30 ساعت صرف هر ارزیابی کرده اند . آنها در مورد پدر و مادرها بیش از هر آزمونی از شخصیت سنج چند وجهی مینسوتا (MMPI) استفاده می کردند . روی بچه‌ها نیز عمدتاً آزمون‌های هوش و آزمون‌های فرافکن شخصیت را اجرا می کردند .

دو ابزار اختصاصی در این رابطه عبارتند از مقیاس‌های ادراکی بریکلین و مقیاس‌های ارزیابی حضانة اکرمین - شوئندورف ویژه والدین . رایج‌ترین توصیه این متخصصان ، حضانة مشترک محدود است که در آن والدین به طور مشترک تصمیم می گیرند ولی حضانة فیزیکی اصلی بر عهده یکی از آنها است .

به نظر می رسد کیفیت رابطه پدر و مادرهای طلاق گرفته نقش مهم تری در سازگاری فرزندان بازی می کند تا حضانة منفرد یا مشترک . دادگاه عالی نیوجرسی به مردان و زنان همجنس خواه حق فرزند خوانده گرفتن اعطا کرده است . اما در برخی ایالت‌های دیگر ، این قانون وجود ندارد .

میانجیگری در حضانة

وظیفه میانجی این است که با ایجاد محیطی امن برای ارتباط و کمک به طرفین برای بررسی راه‌های مختلف ، آنها را ترغیب کند اختلافات و تفاوت‌ها را کنار بگذارند . روان‌شناسان در میانجیگری به طرفین دعوا کمک

می کنند طلاق را از لحاظ هیجانی بپذیرند ، بگو مگو ها را کنار بگذارند و با همکاری یکدیگر برای فرزندشان پدر و مادری باثباتی انجام دهند .

این گروه از روان شناسان بالینی که به آنها هماهنگ کننده پدر و مادری کردن می گویند به مراجعان کمک می کنند با تمرکز روی نیازهای رشدی و هیجانی کودکان و حل و فصل مشکلاتشان بدون آن که نیازی به رای قاضی باشد ، مشکلات مربوط به بچه داری را رفع کنند .

جدول 2-14

رئوس دستورعمل های انجمن روان شناسی امریکا در زمینه ارزیابی حضانت کودک در دعاوی طلاق

1. یک دستورعمل های اصلی : هدف ارزیابی حضانت 1 . ارزیابی بر اساس ماهیت سوال ارجاعی ، دامنه کودک ارزیابی را تعیین می کند .
- 1 . هدف اولیه ارزیابی حضانت کودک ، سنجش 2 . روان شناس از تمام شرکت کنندگان بزرگسال ، مصالح روانشناختی کودک است . رضایت نامه می گیرد و در صورت امکان ، کودکان را در جریان کار قرار می دهد .
- 2 . اصلاح و آسایش کودک از هر چیزی مهم تر است .
- 3 . روان شناس ، شرکت کنندگان را در جریان حد و مرز زداری و افشای اطلاعات قرار می دهد .
- 3 . کانون ارزیابی ، ظرفیت پدر و مادری کردن ، نیازهای روانی و رشدی کودک و تناسب این دو 4 . روان شناس در جمع آوری داده ها از چند روش استفاده می کند .
- 2 . دو دستورعمل های عمومی : آماده شدن برای ارزیابی حضانت کودک 5 . روان شناس در تفسیر داده های بالینی یا داده های سنجش افراط نکرده و آنها را به شکل نامناسبی تفسیر نمی کند .
- 1 . نقش روان شناس این است که به عنوان متخصص ، موضع عینی و بی طرفانه ای اتخاذ کند .
- 2 . روان شناس صلاحیت تخصصی دارد .
- 3 . روان شناس متوجه سوگیری های شخصی و 7 . اگر توصیه ای می کند باید در چهارچوب مصالح

اجتماعی هست و تبعیض قائل نمی شود . کودک باشد .

4 . روان شناس از برقراری روابط متعدد پرهیز می 8 . روان شناس هزینه های مالی ارزیابی را به صراحت کند . بیان می کند .

سه . دستورعمل های روشی : 9 . روان شناس مکتوباتش را نگه می دارد .

رابط امری و همکاری برای سنجش تاثیر روش حضانت کودک میانجیگرانه در مقابل تاثیر حضانت کودک اختلاف برانگیز ، تحقیقی انجام دادند . آنها در این تحقیق ، زوج های طلاق گرفته را به طور تصادفی در دو گروه جا دادند . یک گروه بگو مگو های حضانتی خود را از طریق میانجیگری رفع می کردند و گروه دیگر از طریق اقامه دعوا . آنها فهمیدند اگر چه میانجیگری تا حد زیادی از جلسات غیر رسمی دادگاه ها و مقدار زمانی که صرف حل و فصل اختلافات می شود کم می کرد ولی سازگاری روانی این پدر و مادرها با سازگاری روانی کسانی که اقامه دعوا کرده بودند ، فرقی نداشت .

اما از لحاظ رضایت از این دو روش ، تفاوت جنسیتی قابل توجهی به چشم می خورد . پدران که میانجیگری را تجربه کرده بودند از این روش رضایت بیشتری داشتند تا از روش اقامه دعوا ؛ در مقابل ، رضایت مادران از تاثیر این روش کمتر بود . برخی از محققان هم نشان داده اند مادرانی که در مورد حضانت کودک ، اقامه دعوا می کنند سازگاری بهتری دارند . شواهدی که نشان بدهند میانجیگری پیش از اقامه دعوا ، سازگاری والدین یا بچه ها پس از طلاق را بهبود بخشیده باشد کم است .

متخصصان سلامت روانی در دستگاه قضایی

شاهد متخصص طبق تعریف قضایی ، کسی است که دانش علمی ، فنی یا نوعی دانش خاص دارد و می تواند در دادگاه یا در مورد امور قضایی اظهار نظر کند ، به شرط آن که واجد شرایط زیر باشد :

1. قاضی معتقد باشد شهادت او به دادگاه یا هیئت منصفه در درک شواهد یا تعیین حقیقت ماجرا کمک می کند .
2. متخصص باید دارای دانش ، مهارت ، تجربه ، آموزش های تخصصی یا تحصیلات لازم برای شهادت دادن درباره یک موضوع علمی ، فنی یا تخصصی باشد .
3. شهادت متخصص باید بر اساس اصول و روش های پایا و مقبول رشته تخصصی او پی ریزی شده باشد .

این معیارها در قانون 702 شواهد فدرال در خصوص شهادت متخصصان که منعکس کننده دادخواهی های دهه 1990 در مورد لزوم پایایی شهادت علمی متخصص است درج شده اند .

متخصصان حق ندارند در این مورد اظهار نظر کنند که آیا متهم صلاحیت حضور در دادگاه را دارد یا آیا هنگام ارتکاب جرم سلامت عقل داشته است ، آیا فلان طرف دعوا صلاحیت تنظیم وصیت نامه داشته است ، کدامیک از طرفین گزینه بهتری برای گرفتن حق حضانت بچه ها است و خلاصه حق ندارند قبل از تشکیل دادگاه هیچ اظهار نظری کنند .

« اظهار نظر نهایی » از سوی متخصص یک تصمیم قضایی است ، حق انحصاری قاضی و هیئت منصفه در خصوص اعمال قانون در رابطه با حقایق و نظرات طرح شده توسط متخصص را مخدوش می کند .

تخمین زده می شود روان شناسان و روانپزشکان در تقریباً 8 درصد دادگاه های مدنی فدرال شهادت می دهند و شاهدان متخصص در زمینه سلامت روانی هر سال در یک میلیون پرونده دخالت می کنند .

با این حال همچنان از عدم پایایی و اعتبار ، درستی و مفید بودن شهادت روان شناسان انتقاد می شود . دیوید تی . بازلون قاضی استیناف سابق فدرال که حامی حقوق قضایی بیماران روانی بود (1974) زمانی گله می کرد که « در هیچ پرونده ای به اندازه پرونده هایی که دانش و فن روانپزشکی لازم است ، شهادت ثمربخش و پایا دشوار نیست » . وارن برگر (1975) قاضی سابق دیوان عالی که از « عدم قطعیت تشخیص روانپزشکی گله مند بود » نیز همین نظر را داشت . در چند منبع دیگر (بانی و اسلوبوگین ، 1980 ؛ انیس و لیتواک ، 1974 ؛ مورس ، 1978) و یک کتاب راهنمای مشهور که به طور ویژه درباره شهادت تخصصی روان شناسان است (زیسکین و فاست ، 1988) هم انتقادات تند و تیزی از شهادت تخصصی روان شناسان شده است .

در رابطه با کم کردن جنجال شهادت تخصصی علمی و فنی از جمله شهادت تخصصی روان شناسان ، توصیه هایی نیز شده است . این توصیه ها عبارتند از (الف) محدود کردن تعداد متخصصان هر دو سوی پرونده ، (ب) انتخاب متخصصان توسط گروهی از اشخاص مشهور به رعایت بی طرفی و اشخاص صاحب صلاحیت و (ج) شنیدن نظر متخصصانی که قاضی آنها را برگزیده است نه متخصصان استخدام شده توسط وکلای طرفین دعوا .

جدول 3-14

موضوعاتی که روان شناسان می توانند درباره آنها شهادت تخصصی بدهند

شاهدان متخصص روان شناسی در محاکم جنایی ، دادخواهی های مدنی و دعوای خانوادگی شهادت می

دهند . در واقع آنها در این موارد بیش از دعاوی جنون ، شهادت تخصصی می دهند . در این جدول ، چهار مورد از رایج ترین شهادت های تخصصی روان شناسان را نام می بریم .

موضوع شهادت

سوال اصلی در شهادت

1. جنون
بین وضعیت روانی متهم هنگام ارتکاب جرم و مسئولیت پذیری او در قبال جرم چه رابطه ای هست ؟
2. صلاحیت جنایی
آیا متهم معنای اقدامات قضایی علیه خودش را می فهمد ؟
3. صدور حکم
توانبخشی متهم چه می شود ؟ کدام موارد جلوی صدور برخی احکام را می گیرند ؟
4. ماهیت شهادت
چه عواملی بر دقت شهادت تاثیر می گذارند ؟ آیا فلان بیمار روانی خطرناک است ، آیا امکان دارد عمل خطرناکی انجام بدهد و باید بستری شود ؟
5. حکم توقیف مدنی
عواقب روانی فلان عمل یا اقدام اشتباه برای شخص چه بوده است ؟
6. صدمات روانی در پرونده های مدنی
کدام عوامل محیطی و توانایی های ادراکی انسان بر مصرف فلان کالا یا استفاده از آن تاثیر می گذارند ؟
7. سهل انگاری و مسئولیت در قبال کالاها
آیا فلان نام محصول یا علامت تجاری شبیه نام محصول یا علامت تجاری رقیب آن است ؟
8. دعاوی مربوط به علامت تجاری
طبق کدام شواهد روانشناختی با زنان و اقلیت ها در مدارس یا محیط های کار یکسان برخورد نشده و اقدامات و تصمیمات تبعیض آمیز علیه آنها صورت گرفته است ؟
9. تبعیض
آیا شخص ، توانایی روانی لازم برای تصمیم گیری راجع به سلامت و

آسایش عمومی خود را دارد؟

10. قیومیت و نگهداری کدام عوامل روانی تعیین می کنند که حضانت کودک باید به این یا آن طرف دعوا سپرده شود؟

11. حضانت کودک کدام عوامل روانشناختی باعث می شوند ناتوانایی های پدر یا مادر، شایستگی آنان برای بزرگ کردن و نگهداری از بچه ها را از آنان سلب کند؟

12. فرزند خواندگی و لغو حق پدر و مادری کردن آیا اقدام و عملکرد متخصص سلامت روانی در جهت مصالح مراجع نبوده است؟

13. اقدامات حرفه ای غلط تاثیرات پورنوگرافی، خشونت، سوء رفتار با همسر و مانند اینها بر رفتار شاکسانی که معتقدند تحت تاثیر این عوامل قرار گرفته اند، چیست؟

14. کاهش نقش عوامل روانی اجتماعی در دعاوی

خلاصه فصل

روان شناسان بالینی در روان شناسی قانونی هم وارد شده اند. در این رشته تخصصی، از دانش و تخصص سلامت روانی در دعاوی قضایی استفاده می شود. ماهیت سنجش قانونی به سوالات مطرح شده بستگی دارد ولی همچون اکثر سنجش های بالینی شامل تاریخچه اجتماعی، مصاحبه بالینی، روان آزمایی، مرور مدارک و حتی مصاحبه با طرف های ثالث نیز می شود.

روان شناس قانونی در ارزیابی صلاحیت حضور در دادگاه باید ببیند آیا متهم معنا و مفهوم دادگاه، دفاع از خود و مشورت با وکلای را می فهمد. اکثر متهمانی که تحت این گونه ارزیابی ها قرار می گیرند، در نهایت واجد صلاحیت شناخته می شوند. متهمانی که ادعای بی گناهی به خاطر جنون می کنند باید شواهدی ارائه دهند مبنی بر اینکه وضعیت روانی لازم برای پذیرش مسئولیت جرم را نداشته اند. روان شناسان و سایر متخصصان سلامت

روان این متهمان را ارزیابی می کنند تا ببینند آیا مشمول تعریف قضایی جنون می شوند یا خیر. این تغییر در طول دهه های گذشته تغییر کرده است. تعریف جنون در ایالت های مختلف نیز متفاوت است ولی جوهر این قانون آن است که متهم به خاطر بیماری یا نقص روانی نمی تواند ماهیت عمل مجرمانه خود را درک کند و به غلط بودن آن پی ببرد. در پاسخ به انتقادات عمومی و سیاسی درباره دفاعیه جنون، اصلاحات مختلفی صورت گرفته است - از جمله لغو دفاعیه جنون، تغییر تعریف آن و حکم گناهکار اما بیمار روانی.

گاهی اوقات از متخصصان سلامت روانی می خواهند خطرناک بودن متهمان جنایی را بسنجند؛ آنها در این سنجش باید پیش بینی کنند که آیا متهم در آینده مجددا مرتکب جرم خواهد شد یا نه.

روان شناسان معمولا در دادرسی شبه جرم ها هم شهادت می دهند. شاکیان در این دادرسی ها بابت اعمال غلطی که بنا به ادعای آنها موجب آسیب دیدن روانی آنان شده اند، غرامت می خواهند. شهادت روان شناسان در این دادرسی ها در رابطه با ماهیت، میزان و تاثیر آسیب است. آنها در خصوص صلاحیت های مدنی، از جمله توان روانی آدم ها برای تصمیم گیری مالی، تصمیم گیری درباره درمان پزشکی یا روانپزشکی و بخشیدن اموالشان در چهارچوب وصیت نامه، هم سنجش انجام می دهند.

گاهی اوقات نیز دادگاه ها یا شرکت های بیمه به روان شناسان ماموریت می دهند کالبد شکافی روانی انجام بدهند و با این کار، علت مرگ های مشکوک را کشف کنند. معمولا نتیجه این کالبد شکافی ها نیز رد شدن فرضیه خودکشی است. روان شناسانی که در زمینه اجرای قانون تخصص دارند، نیمرخ جنایی هم تهیه می کنند. آنها در این روش سعی می کنند جنایتکاران شریر و زنجیره ای را شناسایی کنند.

یکی از فعالیت های در حال گسترش روان شناسان قانونی، سنجش خانواده های بحران زده است. این گروه از روان شناسان معمولا در این زمینه که آیا والدین در حال طلاق، شایستگی حضانت بچه ها را دارند و حضانت مشترک به نفع بچه ها است یا حضانت منفرد یا اقدامی دیگر نظر می دهند. عده زیادی از روان شناسان نیز دنبال میانجیگری در دعوای طرفین بر سر حضانت فرزندان هستند. برخی از این روان شناسان نقش هماهنگ کننده پدر و مادری کردن را بازی می کنند تا پدر و مادر طلاق گرفته یا متارکه کرده بر سر مسائل مربوط به پدر و مادری کردن به توافق برسند.

اگر چه شهادت تخصصی در دادگاه توسط روان شناسان، پدیده رایجی ایست ولی منتقدان به پایایی، درستی و مفید بودن شهادت های آنها شک دارند. اصلاحاتی از قبیل مدون کردن نوع و محدوده شهادت و تهیه بایگانی هایی از متخصصانی که در خدمت دادگاه ها هستند نه در خدمت طرفین دعوا، اعتبار شهادت تخصصی روان شناسان را خواهد افزود.

سوال: میانجی در حضانت کودک چه وظیفه ای دارد؟ (ارشد روانشناسی بالینی 93)

الف) حل بلا تکلیفی کودک (ب) حق مساوی برای طرفین در مورد حضانت فیزیکی کودک

ج) بررسی و حل وابستگی طفل - والد (د) کمک به طرفین برای پذیرش از لحاظ هیجانی

پاسخ گزینه ب /

سوال: در روانشناسی قانونی صلاحیت تصمیم گیری به چه توانایی اطلاق می شود؟ (ارشد روانشناسی بالینی 92)

الف) اطلاعات بنیادی مرتبط با یک تصمیم را بفهمد.

ب) توانمندی بررسی صدمات و آسیب های جسمی و روانی در محیط کار را داشته باشد.

ج) قطع حقوق و هزینه های درمانی را به افراد ذیصلاح گزارش نماید.

د) آزار و اذیت و جرایم عمدی را بتواند تبیین نماید.

پاسخ گزینه الف /

سوال: وظیفه روان شناس بالینی در موضوع میانجیگری در حضانت چیست؟ (ارشد روانشناسی بالینی 92)

الف) طرفین را ترغیب نماید که طلاق را از لحاظ قانونی بپذیرند.

ب) نیازهای رشدی و عاطفی کودک را با مشاوره توسط قاضی حل و فصل نمایند.

ج) طرفین را ترغیب نماید که اختلاف و تفاوت ها را کنار بگذارند.

د) تلاش نماید در چند ماه اول فرزندان از بلا تکلیفی هیجانی رهایی یابند.

پاسخ گزینه ج /

نکته مهم: داوطلبین محترم توجه فرمایید که با تهیه این جزوات دیگر نیاز

به خرید هیچ گونه کتاب مرجع دیگری نخواهید داشت. برای اطلاع از

نحوه دریافت جزوات کامل با شماره های زیر تماس حاصل فرمایید.

021/66902061-66902038

013/33338002(رشت)

013/42342543(لاهیجان)